

# نهضت ترجمه، اقتباس و اجراهای کمدی «عروسی مجبوری» در عصر قاجار

نویسنده: نیایش پورحسن



و کمدی «عروسی مجبوری»

ترجمه حسینقلی میرزا عمادالسلطنه (سالور)

تاریخ ترجمه ۱۳۳۱ هجری قمری

|                     |                                                                                                                  |
|---------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : پورحسن، نیایش، ۱۳۶۴ -                                                                                          |
| عنوان و نام پدیدآور | : کمدی عروسی مجبوری (از تصنیفات مولیر شاعر معروف فرانسه) // ترجمه حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور؛ نیایش پورحسن. |
| مشخصات نشر          | : تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۶.                                                                                   |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۶۸ص. ۵/۲۱x۵/۱۴ س.م.                                                                                           |
| فروست               | : سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار؛ [ج] ۷.                                            |
| شابک                | : 978-600-461-034-6                                                                                              |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا.                                                                                                          |
| موضوع               | : مولیر، ۱۶۲۲ - ۱۶۷۳م. -- نقد و تفسیر.                                                                           |
| موضوع               | : Molière -- Criticism and interpretation                                                                        |
| موضوع               | : مولیر، ۱۶۲۲ - ۱۶۷۳م. عروسی مجبوری -- نقد و تفسیر.                                                              |
| موضوع               | : Molière. Mariage force -- Criticism and interpretation                                                         |
| موضوع               | : نمایشنامه‌نویسی -- ایران -- قرن ۱۳ق. -- تاریخ و نقد.                                                           |
| موضوع               | : Playwriting -- Iran -- 19th century -- History and criticism                                                   |
| موضوع               | : نمایشنامه فرانسه (کمدی) -- قرن ۱۷م. -- تاریخ و نقد.                                                            |
| موضوع               | : French drama (Comedy) -- 17th century -- History and criticism                                                 |
| موضوع               | : نمایشنامه فرانسه (کمدی) -- قرن ۱۷م.                                                                            |
| موضوع               | : French drama (Comedy) -- 17th century                                                                          |
| موضوع               | : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۳۴ق.                                                                      |
| موضوع               | : Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925                                                                         |
| شناسه افزوده        | : سالور، حسینقلی میرزا، ۱۲۳۷ - ۱۳۱۱خ، مترجم                                                                      |
| شناسه افزوده        | : مولیر، ۱۶۲۲ - ۱۶۷۳م. عروسی مجبوری. شرح.                                                                        |
| شناسه افزوده        | : سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار؛ [ج] ۷.                                            |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۶ ک۸ پ/ PIR2۸۴۵                                                                                             |
| رده‌بندی دیویی      | : ۵۰۹/۲۸۸                                                                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۴۷۳۳۲۷۱                                                                                                        |

سیری در تاریکی های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار

جلد ۷

**نهضت ترجمه، اقتباس و اجراهای کمدی  
«عروسی مجبوری» در عصر قاجار**

و

**کمدی «عروسی مجبوری»**

(از تصنیفات مولیر شاعر معروف فرانسه)

ترجمه

شاهزاده حسینقلی میرزا عمادالسلطنه (سالور)

(۱۳۳۱ ه.ق)

نیایش پورحسن



کتاب گوله پشته



کتاب کوله پستی

نهضت ترجمه، اقتباس و اجراهای کمدی «عروسی مجبوری» در عصر قاجار

و

**کمدی «عروسی مجبوری»**

(از تصنیفات مولیر شاعر معروف فرانسوی)

ترجمه حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور

**نیایش پورحسین**

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۱-۰۳۲-۲

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۷

ویراستار: مینو ابوذرچیهری

طراح جلد: احمد شهبازی

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پستی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

**نشر کتاب کوله‌پستی**

تلفن: ۶۶۵۹۷۶۱۳ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: [koolehposhti-pub@yahoo.com](mailto:koolehposhti-pub@yahoo.com)

وبسایت: [www.ketabekoolehposhti.com](http://www.ketabekoolehposhti.com)

اینستاگرام: [ketabekoolehposhti](https://www.instagram.com/ketabekoolehposhti)

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

**قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان**

## فهرست

- سخنی با خوانندگان ..... ۷
- پیش‌گفتار ..... ۲۱
- فصل نخست
- نگرشی بر کمدی «عروسی مجبوری» ..... ۲۷
- فصل دوم
- عروسی‌های اجباری در فرهنگ ایرانی عصر قاجار ..... ۶۹
- فصل سوم
- نهضت ترجمه، اقتباس و اجراهای کمدی «عروسی مجبوری» در عصر قاجار ..... ۷۷
- فصل چهارم
- «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه» (سالور) و کمدی «عروسی مجبوری» ..... ۹۱
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۱۱۱
- عروسی مجبوری از تصنیفات «مولیر» شاعر معروف فرانسه ..... ۱۱۷

## سخنی با خوانندگان

«سیری در تاریکی‌های نمایش و ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار» مجموعه‌ای از جستارهای تازه‌یاب و ناگفته راجع به جریان‌ات مهم و تأثیرگذار نمایشی، مترجمان، نویسندگان، هنرمندان و آثار نمایشی فراموش شده از دوره قاجار است که برای نخستین بار به خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد.

این مجموعه به‌طور کلی یک کتاب مدون راجع به تاریخ نمایش یا تاریخ ادبیات نمایشی ایران نیست، بلکه زنجیره‌های از هم گسسته از تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان با تأکید بر دوران ناصری، مظفری و سپس دوره مشروطه است که در نوبه خود می‌تواند دوره‌های تاریک و فراموش شده‌ای را که تا به حال در پژوهش‌های پیشین مطرح نشده و یا به‌درستی به‌بوته شناسایی درنیامده است را معرفی نموده و به برخی از پژوهش‌های سابق الحاق نماید.

اگرچه مقوله تناتر و نمایش در دوره قاجار به‌ویژه دوره مورد بحث ما دارای ظاهری به اصطلاح روشن است، اما به‌صراحت باید اذعان کرد که اطلاعات جامعه پژوهشی ایرانی از این دوره به‌شدت کم‌رنگ و مختصر است و به همین جهت این دوره مملو از تاریکی، خلأ، نقاط گنگ و مبهم، اشخاص و جریان‌ات فراموش شده و در مجموع دچار پرش و نقصان است. از این رو این دوره نیاز به واکاوی و جستارهای جدید، پژوهش‌های تازه، کشفیات نو و ارائه اسناد و مدارک تازه دارد که این مجموعه درصدد است گوشه‌ای از این دریای بی‌کران را روشن سازد.

راجع به شیوه نگارش و پژوهش این مجموعه باید گفت که هر مجلد سعی دارد به یکی از جریان‌اتی که در دنیای نمایش دوره قاجار تأثیرگذار واقع شد، بپردازد. این جریان‌ات خواه به‌صورت تأثیرات یک جریان همانند: «جریان طلیعه نمایشنامه‌نویسی در ایران»، خواه به‌صورت تأثیرات یک درام‌نویس غربی همانند «مولیر»، «پیر کورنی»

یا «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است، و خواه به نهضت آشنایی ایران با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان و عثمانی، اتریش و... اشاره می‌کند. در ضمن در هر مجموعه، یک سند ارزشمند یا یک نمایشنامه مربوط به هر جریان معرفی و عرضه می‌شود. غالب نمایشنامه‌های ارائه شده در این مجموعه نیز آثاری تازه‌یاب یا غیرقابل دسترس هستند که یا تاکنون در ادبیات نمایشی ایران از آن سخن به میان نرفته و یا اگر هم قبلاً ذکر از آن شده باشد، از اشارات گنگ میرا نیست. از این رو بسیاری از مطالب و آثار نمایشی این مجموعه نیز برای نخستین بار به جامعه پژوهشی و نمایشی ایران عرضه می‌گردد.

مجلدهایی که در این مجموعه از نظر می‌گذرد، مشتمل بر دو قسم است؛ قسم اول تاریکی‌های ادبیات نمایشی ایران در عصر قاجار؛ و قسم دوم تاریکی‌های نمایش‌های شادی‌آور در دوره قاجار.

راجع به قسم دوم در مجلدهای مربوطه به تفصیل شرح داده خواهد شد. اما در مورد قسم اول باید اذعان نمود که تأکید اصلی نخستین مجلدات این مجموعه بیشتر حول جریان‌ات و آثار فراموش شده از دوره ناصری، مظفری و سپس مشروطه است. این دوره تقریباً از نیمه دوم دهه ۱۲۸۰ ه. ق آغاز شده و تا سال ۱۳۲۴ ه. ق یعنی تاریخ صدور فرمان مشروطه (و حتی مدتی بعد از آن را) در بر می‌گیرد، زیرا در وهله نخست پیدایی و طلوع تئاتر و ادبیات نمایشی ایران به شیوه فرنگستان مدیون کوشش‌های اولیه در این دوره است؛ در وهله دوم تا به امروز چنانچه باید، نتوانستیم به سیر تطور منطقی و توالی هنرهای نمایشی در این دوره دست یابیم؛ و در وهله سوم این دوره یکی از مقاطع حساس و تأثیرگذار تاریخ نمایش و ادبیات نمایشی ایران است که شوربختانه به شدت دچار گسست و فراموشی شده است. چنانچه به طور مثال وقتی به معتبرترین کتب تاریخ ادبیات نمایشی و تئاتر ایران مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که هر وقت از طلوع تئاتر و ادبیات نمایشی ایران در دوره قاجار سخنی به میان رفته است، تنها یا از یکی دو اسم نظیر: «آخوندزاده» و «میرزا آقا تبریزی» به عنوان سردمداران آن یاد شده و یا از میان نویسندگان تأثیرگذار خارجی فقط از آثار «مولیر» سخن به میان

رفته است. حال آنکه از جریانات، مسائل و اشخاص دیگر که شاید به همان اندازه و در ابعاد مختلف تأثیرگذار بودند، به ندرت حتی اشاراتی دیده شود. همچنین همین کم توجهی و فقدان پژوهش را می توان در وضعیت ادبیات نمایشی و تئاتر ایران از دوران ترور «ناصرالدین شاه» تا صدور فرمان مشروطه که ۱۱ سال پریهاو را در بر می گیرد مشاهده نمود. زیرا پیرامون این دوران حساس که پیش درآمدی بر شکل گیری نهضت مشروطیت در ایران شد تا به حال پژوهشی کامل در هنرهای نمایشی ایران صورت نگرفته و بدین جهت این دوره تأثیرگذار به طور کلی یا حذف گردیده و یا از پرداختن دقیق به آن صرف نظر شده است. دلیل آن هم کاملاً موجه است؛ زیرا که قدامت نوشته اند و منبع تغذیه ای را برای استفاده رهروان خود بر جای نگذاشتند.

به هر حال مجله های این مجموعه که تاکنون آماده سازی شده اند عبارتند از:

۱. (جلد ۱، الف) جریان طلیعه نمایشنامه نویسی در ایران به شیوه فرنگستان (در عصر قاجار) و «طیاتر میرزا سیف الدین خان وزیر مهمام خارجه» (تاریخ نگارش ۱۲۸۷-۱۲۹۲ ه. ق)؛ (جلد ۱، ب) جریان طلیعه تئاتر در ایران و «سرگذشت تماشاخانه دارالفنون» (نخستین تماشاخانه ایرانیان به روش فرنگستان).

۲. آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی عثمانی (در عصر قاجار) و کمدی «محمد چلبی» (تاریخ ترجمه نیمه دوم دهه ۱۲۸۰ ه. ق).

۳. نهضت آشنایی ایرانیان با «پیر کورنی» در عصر قاجار و «حکایت زُدگون، خواهر پادشاه پارت» (ترجمه بین سال های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ ه. ق).

۴. نهضت ترجمه آثار «مولیر» در ایران و نواحی خاورمیانه در عصر قاجار (از آغاز تا پایان قرن ۱۹ میلادی) و کمدی «مسیو پورسنیاک» (کتابت در سال ۱۳۱۶ ه. ق).

۵. تاریخچه آشنایی ایرانیان با تئاتر و ادبیات نمایشی یونان باستان (از آغاز تا پایان عصر قاجار) و مجلس الکتر از تماشاخانه «سوفوکل» ترجمه



«حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (ترجمه به سال ۱۳۱۸ ه.ق).

۶. آشنایی ایرانیان با تئاتر و تماشاخانه‌های اتریش در عصر قاجار و آتش‌سوزی تماشاخانه «رینگ» وین به روایت مدارک عصر ناصری (۱۲۹۹ ه.ق).

۷. «عروسی مجبوری» ترجمه «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه سالور» (۱۳۳۱ ه.ق).

۸. نهضت «الکساندر دوما» در عصر قاجار در ایران و نمایشنامه «برج نل» ترجمه «عبدالحسین میرزا مؤیدالسلطنه» (۱۳۲۲ ه.ق).  
و مجلدهای دیگری که در شرف آماده‌سازی هستند.



اما در باب شیوه نگارش این مجموعه نیز لازم است اشاراتی کنم.

نخست آنکه در نگارش این مجموعه تا حد زیادی سعی شد که از تحسین جستارهای معدودی از پژوهشگران و تکرار آنچه قدما نوشته‌اند پرهیز شود. زیرا طبیعتاً مطالب نوشته‌شده نیازمند تکرار مکررات نیست. از این رو غالب مطالبی که در این مجموعه منتشر می‌شود، مبتنی بر کوشش‌های شخصی و حداقل امکان متکی بر اسناد و مدارک معتبر و یا حداقل قابل قبول است که در صورت لزوم اگر تکراری نیز در آن به چشم می‌خورد بی‌گمان یا تصحیح و تکمیل شده و یا نکات تازه‌ای به آن افزوده شده است.

دوم آنکه هرگز از روش برخی از مترجمان امروزی که مسائل مربوط به تحلیل نمایشنامه را از منابع غربی برداشته و به انتهای کتاب‌های خود ضمیمه می‌کنند، پیروی نکردم. از این رو تحلیل آثار نمایشی هر مجلد، خوب یا بد، ضعیف یا قوی حاصل بررسی و جستارهای نگارنده است.

سوم آنکه در این مجموعه تا حد بضاعت سعی شد که با احترام به خوانندگان مطالبی ارائه گردد که غالباً حاوی نکات تازه‌ای باشد. زیرا خوانندگان روشن‌ضمیر آشکارا واقف هستند بسیاری از پژوهش‌هایی که در چند دهه اخیر در زمینه تئاتر و

ادبیات نمایشی ایران در قالب مقاله و کتب مختلف منتشر می‌شوند یا بیشتر جهت سوابق‌سازی پژوهشی و ارتقاء رتبه دانشگاهی بوده است و یا غالباً از کپی‌برداری و تغییر رسم‌الخط مطالب چند پیشگام فراتر نمی‌رود. چنانچه اثبات این ادعا را می‌توان در بسیاری از کتب و مقالات تکراری و کم‌کیفیت نسل دانشگاهی امروز به‌صراحت مشاهده نمود.

**چهارم آنکه** تمام تلاش خود را انجام دادم که این مجموعه با حساسیت و وسواس شدید نگارش شود. تا آنجا که بضاعت ناچیز نگارنده اجازه می‌داد، سعی نمودم که از انتخاب نسخ گرفته تا تحلیل آثار، انتخاب منابع و اسناد، مطالب تازه‌ای را به گنجینه ادبیات نمایشی ایران عرضه کنم. یقیناً در این زمینه نقصان‌هایی نیز وجود خواهد داشت که پیشاپیش از این بابت از همه خوانندگان عزیز پوزش می‌طلبم.

**پنجم آنکه** نگاه این مجموعه نگاهی تاریخی و مبتنی بر اسناد است که با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی نگارش شده است.

**ششم آنکه** هر مجلد از این مجموعه به‌طور کلی شامل چند بخش عمده است: بخش اول معرفی و شناسایی تأثیرات یک جریان خاص نمایشی در دوره قاجار. این جریان گاه به‌صورت نهضت و جریان شناوری همانند «جریان طلیعه‌نمایشنامه‌نویسی» در کشور ما است؛ گاه تأثیر مستقیم یک فرد همانند «مولیر»، «پیر کورنی» و «الکساندر دوما» در ادبیات نمایشی ایران است. گاه تأثیرات یک فرهنگ و کشور همانند یونان و عثمانی و اتریش در تاریخ هنرهای نمایشی کشورمان است.

در بین این افراد بیشترین تمرکز بر روی «مولیر» بنا نهاده شد. زیرا تأثیر افکار و آثار «مولیر» در طلیعه‌تئاتر و ادبیات نمایشی ایران و حتی عثمانی، روس و ممالک عرب بیش از «پیر کورنی» یا «الکساندر دوما» بوده است. از این رو از «مولیر» در مجلد چهارم و هفتم به‌تفصیل سخن رانده شده است.

**بخش دوم** معرفی یک اثر نمایشی تازه‌یاب از دوره ناصری، مظفری و حتی دوره مشروطه. این آثار یا همانند نمایشنامه‌های «طیاتر میرزا سیف‌الدین خان

وزیر مهمام خارجه»، «ردگون»، «مسیو پورسنياک»، «الکتر» و رساله «تفصيل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تياتر» نسخه‌ای خطی است؛ یا همانند «محمد چلبی» و «برج نل» (تمثيل تياتر) و «عروسی مجبوری» آثاری چاپ شده می‌باشند.

راجع به آثار خطی در این مجموعه باید گفت که هر کدام از این آثار نسخی منحصر به فردند که غالباً فاقد شناسنامه لازم هستند. چنانچه نسخه «طياتر ميرزا سيف الدين خان وزير مهمام خارجه» فاقد نام نمایشنامه‌نویس و تاریخ دقیق نگارش است، تراژدی «ردگون» فاقد سال ترجمه و حتی عدم مشخصات دقیقی از مترجم است. نسخه «مسیو پورسنياک» فقط حاوی نام کاتب و تاریخ کتابت است. «تفصيل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تياتر» نیز فاقد تاریخ دقیق ترجمه است و در بین نسخ خطی تنها «الکتر» است که حاوی نام دقیق اثر، مترجم و تاریخ ترجمه می‌باشد.

در مورد آثار ترجمه شده باید گفت که در هیچ یک از این نسخ، منبع اصلی ترجمه و زبان ترجمه ذکر نشده است. زیرا در آن زمان چنین کاری نه در ترجمه متون نمایشی و نه حتی در مثنی برداری آثار نقاشی اساساً مرسوم نبوده است. هرچند جالب است که گفته شود هر سه نمایشنامه از زبان فرانسه ترجمه شده‌اند.

درباره سه نسخه «محمد چلبی»، «برج نل» (تمثيل تياتر) و «عروسی مجبوری» باید اشاره کرد که نسخه «محمد چلبی» اصلاً در ایران چاپ نشده است. مترجم و تاریخ دقیق ترجمه آن به قطعیت مشخص نیست و تنها در مقدمه کوتاه سه صفحه‌ای آن به زبان آلمانی، اطلاعاتی مختصر از آن درج شده است. نسخه‌های «برج نل» (تمثيل تياتر) و «عروسی مجبوری» نیز اگرچه آثاری چاپ شده هستند، اما شوربختانه برای سال‌های طولانی همانند سایر نسخ مزبور به محاق فراموشی سپرده شده است.

بخش سوم شناسایی و معرفی نسخه‌ها، مترجمان، کاتبان، زمان انتشار،

مسائل مربوط به این آثار از جمله مواردی است که در هر مجلد به تفصیل شرح داده می‌شود.

در این بخش تاریخچه هر اثر و تأثیرات جریان آن در ادبیات نمایشی قاجار مشخص شده است. این تاریخچه گاه همانند قطعه‌ی نمایشی «محمد چلبی» سرنوشتی پر فراز و نشیب داشته است، گاه نیز همانند «برج نل» از همان ابتدا تا حدودی مشخص بود.

از میان مترجمان نام پنج مترجم نسخ «ردگون»، «الکتر»، «برج نل» (تمثیل تیاتر)، «تفصیل آتش گرفتن تماشاخانه رینگ تاتار» و «عروسی مجبوری» مشخص گردید، اما مترجم دو نسخه‌ی نمایشی «محمد چلبی» و «مسیو پورسنياک» همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی ماند.

راجع به مترجم کم‌دی «مسیو پورسنياک» اگرچه نتوانستیم نام مترجم را شناسایی کنیم اما سعی نمودیم که کاتب آن را تا حد بضاعت معرفی کنیم. شاید در آینده بتوان در بین اسناد تازه‌تر، روابطی میان کاتب نسخه و مترجم پیدا نمود.

نام دو مترجم دیگر یعنی «عبدالحسین میرزا مؤیدالسلطنه» و «حسینقلی میرزا عمادالسلطنه» از همان ابتدا بر روی نسخه‌های موجود مندرج بود، از این رو صرفاً ضرورت تهیه‌ی زندگینامه‌ای مبسوط از آن‌ها احساس می‌شد. زیرا اگرچه راجع به «عمادالسلطنه» سابقاً مطالبی منتشر شده بود، اما از «مؤیدالسلطنه» تاکنون هیچ مطلبی در تذکره‌ها و کتب قاجاری مندرج نشده بود.

خوشبختانه نام مترجم «ردگون» یعنی «مرتضی مترجم» نیز پس از پیگیری‌های بسیار به دست آمد که از این نظر مفتخریم که شخصیتی گمنام اما فرهیخته را برای نخستین بار به تاریخ پیدایی ادبیات نمایشی ایران معرفی می‌کنیم.

در ضمن گفتنی است در این بخش به جریان‌ات دیگری نیز اشاره شده است.

این جریانات گاه همانند جلد چهارم به تطبیق اقتباس‌های «مسیو پورسنياک» در ادبیات نمایشی ایران پرداخته است و گاه نیز همانند جلد دوم به تأثیرات بینا فرهنگی «محمد چلبی» در ادبیات شرق و غرب اشاره دارد.

**بخش چهارم** در هر مجلد سعی بر این شد که هر اثر نمایشی به تفصیل تحلیل گردد. راجع به این مبحث باید گفت که به جز نمایشنامه «الکتر» از بقیه آثار تاکنون هیچ تحلیل جامع و کاملی در کتب نمایشی ایران عرضه نشده است. از این رو سعی نمودیم که تحلیل نمایش‌های این مبحث را با تکیه بر منابع ایرانی، خارجی و تا آنجا که در حد بضاعت بود ارائه دهیم.

**بخش پنجم** متون نمایشی غالباً پس از استنساخ و تصحیح مورد حواشی نویسی قرار گرفتند و توضیحات مربوطه نیز در پانویس هر صفحه درج گردید. راجع به نحوه تصحیح متون باید گفت که هر متن پس از استنساخ، مورد بازبینی قرار گرفت. برخی از واژگان به تعبیر امروزی مصطلح نبود و نیازمند توضیحات بود. برخی از ترجمه‌ها حاوی واژگان فرانسوی، عربی و ترکی بودند که معنای آن‌ها نیز استخراج و در پانویس عرضه شد. برخی از واژگان عبارت بودند از اسامی شهرها، اشخاص، اساطیر و اصطلاحات خاص، که هر کدام نیز به‌طور معمول در پانویس شرح داده شد. برخی از متون در قسمت‌هایی ناخوانا و در قسمت‌هایی غیرگویا بودند. توضیحات این مباحث را نیز به‌طور کلی در صفحات مجلدات مربوطه شرح دادیم. برخی از نسخه‌ها همانند «محمد چلبی» نیازمند مقابله با آثار اصلی آن یعنی ترکی و فرانسوی بود. برخی از متون همانند «مسیو پورسنياک» و «ردگون»، «الکتر» و حتی «عروسی مجبوری» با برخی از نسخ فرانسوی و حتی انگلیسی مربوط به دوران حیات مترجم تطبیق داده شد و شرح آن نیز در مجلدات مربوطه درج گردید.

ناگفته نماند که اغلب یا تمامی متون نمایشی ترجمه‌شده در دوره قاجار فاقد ذکر مراجع کتب اصلی خود هستند. از این رو شناسایی کتب اصلی تا حد

زیادی امکان‌ناپذیر است؛ بدین جهت برخی از متون این مجموعه همانند «کمندی مسیو پورسنیاک» علی‌رغم ترجمه‌ای مطلوب، دارای نواقص فنی زیادی بود که حداقل امکان در تصحیح متن برطرف گردید.

\*\*\*

راجع به منابع و مآخذ نگارش این مجموعه باید اذعان نمود که در این مجموعه از چند قسم منابع استفاده شده است. منابع چاپی (کتاب و مقالات)، نشریات قدیمی و جدید، منابع چاپ سنگی، منابع خطی و اسناد چاپ نشده، و منابع خارجی. هرگز سعی نکردم در استفاده و شناسایی و استناد به منابع، همانند عده معدودی از پژوهشگران و مدرسان سرشناس این رشته تنها چند کتاب را پیش روی خود گذاشته و با استفاده از منابع مندرج در همان کتب و شیوه مرسوم فلانی این را گفت یا فلانی آن را گفت، کتابسازی کنم.

\*\*\*

این پژوهش ماحصل چند سال کوشش و زحمات ناچیز نگارنده در جهت شفاف‌سازی گذشته تاریک نمایش و ادبیات نمایشی کشورمان است. در این وادی به دفعات مستأصل و سرخورده شدم. چند بار عطای پژوهش را به لقای آن بخشیدم. با دلسردی و یأس مواجه شدم. اما با این حال از نو شروع کردم؛ اما هر بار مأیوس‌تر و دلسردتر از دفعه قبل نگارش این مجموعه را ادامه دادم. انگیزه جوانی و کفش‌های آهنی نیز که در این راه پوشیده بودم امروزه به شدت از بین رفته است. به برخی از کتابخانه‌ها و مراکز اسناد آلرژی شدید پیدا کردم. رفتارهای برخی از کتابدارها و مسئولان به شدت رقت‌انگیز است. گویی ارث آباء و اجدادی خود را می‌خواهند در اختیار محققان قرار دهند. خیلی جالب است که هیچ مرکز پاسخگو و حامی پژوهشگران هم اساساً در این دوره وجود ندارد و به سان بسیاری از پژوهشگران مهجور این مرز و بوم از هیچ‌گونه حمایت اقتصادی و معنوی دولتی و شخصی برخوردار نبودم. حتی برخی از مراکز اسناد و مسئولان و کتابخانه‌ها و موزه‌ها جز اتلاف وقت و سیستم بوروکراسی اداری و در نهایت پاسخ منفی با کلی اعصاب‌خردی از هرگونه

مساعادت و همکاری مثبتی نیز با نگارنده امتناع نمودند. از همه بدتر در این بین با تعدادی از کارمندان مراکز اسناد و اساتید دانشگاه‌هایی مواجه شدم که راه همفکری و همکاری را صرفاً در گرو سؤاستفاده پژوهشی در جهت چاپ مقاله و ارتقاء پُست و درجه خود می‌دیدند. همین جا به صراحت اعلام می‌کنم که یکی از سوءاستفاده‌های صورت گرفته از سوزده‌های پژوهشی نگارنده، پژوهش ده ساله‌ای تحت عنوان «میرزا علی اکبرخان مزین‌الدوله نقاشباشی» است که یکی دو پژوهشگر نما با کمال وقاحت آن موضوع را توأم با برخی از مدارک بنده مورد دستبرد قرار دادند.

خب طبیعی است که با این وضعیت، تاکنون به بسیاری از اسناد و مدارکی که نیازمند آن بوده‌ام دسترسی پیدا نکرده‌ام، امید است که در آینده بتوانم با دسترسی به آن اسناد و مدارک، ویرایش جدیدتری از این آثار را به خوانندگان ارائه دهم.

به هر حال با وجود این مشکلات تمام تلاش خود را انجام دادم که حداقل برخی از این جریانات و آثار نمایشی گمنام را از محاق فراموشی نجات داده و برای آیندگان به ثبت برسانم.



در همه کشورهای متمدن دنیا نه تنها پیشینه نمایشی خود را نفی نمی‌کنند، بلکه به دفعات نیز آن اطلاعات را منتشر و با ویرایش و نظرات جدید به خوانندگان عرضه می‌کنند. شوربختانه در این زمینه جامعه تئاتری ما به شدت فقیر و ضعیف عمل نموده است. بی‌گمان در این مسیر چند عامل مهم دخیل می‌باشد که عبارتند از:

نخست در این زمینه جز تعداد انگشت‌شماری پژوهشگر با کمبود نیروی متخصص مواجه هستیم. دوم عدم شناخت و توجه بی‌چون و چرای جوامع دانشگاهی به تئاتر و مکاتب نظری و فلسفی غرب مسبب شده که بسیاری از اساتید و دانشجویان و مسئولان، پیشینه نمایش و ادبیات نمایشی خودمان را به دید تحقیر بنگرند و به همین جهت فضای پژوهش در حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی ایران را تا حد زیادی کم‌اهمیت جلوه دهند. سوم در این زمینه برخی از پژوهشگران و اساتیدی که فعالیت می‌کنند، غالباً خود یا آشنایی لازم را با مقوله تئاتر و هنرهای نمایشی ایران ندارند، و یا آنکه